

حساب و کتاب در ورزش

هر چیزی حساب و کتاب دارد. ممکن است امروز در عرصه‌های مختلف به دلیل برخورداری از قدرت و پست و منصب کارهایی انجام بدهیم ولی مطمئناً اگر به فکر آینده نباشیم و وظیفه خود را به نحو احسن انجام ندهیم و به فکر محکم کردن زیرساخت‌ها و به‌کارگیری افراد لایق و توانا نباشیم قبل از هر چیز خودمان ضرر خواهیم کرد و به مجموعه تحت مدیریت ضربات جبران‌ناپذیری وارد می‌کنیم.

زور گفتن و خارج از چارچوب عمل کردن، لایق و برازنده هیچ فرد و احدی نمی‌تواند باشد. مدیری که قدرت به‌کارگیری مکانیزم جذب و دفع را نداشته باشد نمی‌تواند ادعای موفقیت و سربلندی و کارنامه‌ای سرشار از نقاط مثبت و دلگرم‌کننده داشته باشد.

مدیر توانمند در راستای جذب افراد صاحب کارنامه مثبت با سابقه روشن باید نهایت تلاش خود را به عمل آورد و میدان را برای جولان دادن افراد و آدم‌های بی کارنامه، غریبه و آویزان‌هایی که به هر رنگ و قیافه‌ای درمی‌آیند مساعد ننماید.

آن‌هایی که در عرصه ورزش فعال‌اند و در دل عشقی به ورزش و علاقه‌ای به ورزشکاران دارند دوست دارند که مسئولیت‌های مختلف در اختیار کسانی باشد که سال‌ها در میادین مختلف روزگار گذرانده و اصلاح و بهبود امور رشته‌های مختلف، دغدغه و خواسته اصلی‌شان باشد. آن‌هایی که در ورزش زحمت کشیده، رنج برده، سختی تحمل کرده و عرق ریخته‌اند بهتر است که در گردش امور آن سهم به‌سزایی داشته باشند و از جایگاه مطلوب و خاصی بهره ببرند.

یک ورزشکار وقتی به پایان دوره قهرمانی می‌رسد گنجینه‌ای از تجربه است. نباید به‌آسانی آن‌ها را از دست داد و از صحنه بیرون‌شان کرد. ورزشکار در دنیای ورزش صاحب تجربه و شناخت لازم و کافی است و اوست که می‌تواند با نگاهی درست و موشکافانه در ارتباط با ورزش تصمیم بگیرد و ارائه‌ی طریق نماید.

ورزشی‌ها چون عمر خود را در راه ورزش گذرانده‌اند مطمئناً براساس آگاهی‌هایی که در عینیت و در مرحله عمل کشف کرده‌اند حرف می‌زنند و سخن می‌گویند و چون خود را در ورزش صاحب‌نظر می‌دانند ممکن است فحوای کلام‌شان انتقادی، اعتراضی و گاه تند و تلخ باشد ولی همه اقدامات آن‌ها خالصانه و دلسوزانه است.

آن‌هایی که آویزان هستند و چشم به مدیریت‌ها و بخش‌هایی از زیرمجموعه‌ها دوخته‌اند از هر راهی وارد می‌شوند، اتهام بزنند، حرمت بشکنند، دروغ بگویند، نامردی بکنند، با آبروی افراد بازی بکنند و

خلاصه برای این‌که به خواسته‌شان برسند دست به هر کاری بزنند و خم به ابرو نیاورند.

غیرورزشی‌ها هرچقدر هم که توانا، بانفوذ، قدرتمند و به‌زعم خودشان کارا باشند در ورزش موفق نخواهند شد. میدان دادن به غیر ورزشی‌ها و حمایت از آن‌ها به قیمت کنار ماندن افراد سالم، صالح، دلسوز و کاربلد تمام می‌شود.

ورزش ما سرشار از استعدادهاست ولی به‌جای پرداختن به علل ناکامی‌ها و روشن کردن نقش کمبود امکانات و تجهیزات در ناکامی‌ها تلاش‌مان بر اثبات خودمان استوار گردیده است و همین نقطه‌ی تاریکی است که راه پرفرازونشیبی را در مقابل ورزش قرار می‌دهد.

کسی که کوچک‌ترین آشنایی با علم مهندسی عمران ندارد هیچ‌وقت محاسبات احداث یک ساختمان را به وی نمی‌دهند، فردی که از علم شیمی سر در نیاورد یک واحد صنعتی شیمی را به او نمی‌سپرنند و اوایی که از یک رشته ورزشی کوچک‌ترین اطلاعی نداشته باشد و در عمرش حتی برای تماشای یک مسابقه‌اش قبول زحمت ننماید، نباید عهده‌دار مسئولیت آن رشته شود.

این گفته‌ها را نه مخالفت با یک فرد و نه خدای ناکرده موضع‌گیری بر علیه یک جریان است. نباید در بحث حساب و کتاب هرچیزی شک و تردید داشت. آن‌هایی که در این امر اصرار می‌ورزند و مدیریت غیرورزشی‌ها در هیئت‌های ورزشی را اصولی و مطابق با عرف می‌دانند می‌توانند با استناد به دلایل و برهان، افکار عمومی را قانع کنند. تهمت زدن، کاروانی از هیاهو به راه انداختن، شعار دادن و فراموشی اصل و چسبیدن به فرع نمی‌تواند در تغییر رأی و نظر مخالفان با فعالیت غیرورزشی‌ها در ورزش مثمر ثمر باشد.